

## تشکیل لژ فراماسونی "اسدآبادی" به ریاست آیت الله کنی

در آن تاریخ، یعنی دو سال پیش با بهره گیری از اطلاعات موثقی نوشتم

چون اعضا و روسای سازمان مافیا گونه ای که از دو قرن پیش نام "فراماسون" بر آن نهاده اند، به علت پیری و از کار افتادگی و بدنامی و شناخته شدن، دیگر نمی توانند برای اجرای وظایفی که به وسیله مقامات انگلیس بدانها محول میشد (و میشود) مفید و کارساز باشند، لذا سیاستمداران و طراحان آن دولت استعماری، برای ادامه سلطه خود بر ایران و حفظ منافع هنگفت خویش در این کشور زرخیز، در صدد برآمده اند، در ساختار و اعضای سازمانی که مجری نیات شوم و مقاصد پلید دولت انگلیس بوده اند، تجدید نظر بنمایند. به همین جهت گروهی از آخوندهای متنفذ و مورد اعتماد خود را مامور تجدید و توسعه و کارآیی سازمان مزبور نمودند و آیت الله مهدوی کنی را که از سالها پیش روابط بسیار نزدیکی با مقامات و عمال درجه اول انگلیس داشته است و دارد انتخاب نمودند و وی با تشکیل "لژ اسدآبادی" ماموریت مصیبت بار خویش را آغاز نمود. انتشار و افشای چنین ماجرای اضطراب انگیزی، با وجود سانسور و خفقان که بر ملت ایران حاکم است، به آگاهی عده ای از مردمان شریف و وطن پرست رسید، و آنها به تکثیر و پخش آن مبادرت نمودند و خیلی زود مردم ایران، از سیاست جدید انگلیس و وظایف تازه و بدبختی آور گروهی از روحانیون صاحب مقام و نفوذ، آگاه شدند.

### نقش شوم انجمن حجتیه

چند ماه بعد از چنین افشاگری حیرت انگیزی، افراد آگاه و دلسوزی که به عمق و ژرفای فاجعه جدید واقف شده بودند، تحت عنوان: انجمن حجتیه و عوامل آن، اعلامیه و اطلاعیه تکان دهنده ای به صورت شبنامه با تیراژ وسیعی در بین مردم ایران انتشار دادند که به سرعت برق تکثیر و دست به دست می گشت و می گردد. فتوکپی این اعلام خطر، برای عده معدودی از ایرانیان مقیم خارج و نشریات برون مرزی نیز ارسال گردید، که جز نشریه "توفان" هیچیک از نشریات جیره خوار ماسونها و چپ نماها و کمونیست های انگلیسی آن را چاپ نمودند در اینجا برای آگاهی نسل جوان به چاپ بخشهای مهم این "هشداریه" مبادرت میشود:

انجمن حجتیه يك شبکه مخفی مافوق ارتجاعي و وابسته به محافل قدرتمند فراماسون انگلستان است که رهبر آن "شیخ محمود حلبی" میباشد. پایگاه ایدئولوژیکی این انجمن در حوزه علمیه قم است و لی در تمامی حوزه های علمیه و مراکز بزرگ آموزش مذهبی در سراسر ایران دارای رکن های مهم و تعیین کننده است و بسیاری از آخوندهای قدرتمند و با نفوذ در حوزه های علمیه و ارگان های دولتی از اعضای این انجمن هستند. انجمن حجتیه عملاً هدایت چهار شبکه سیاسی علنی را در اختیار دارد که عبارتند از: "هیئت مؤتلفه اسلامی" گردانندگان روزنامه "رسالت"، اکثریت کامل "جامعه روحانیت مبارز"، "فدائیان اسلام". و البته این شبکه ها، تعدادی از جمعیت های کوچک را به نسبت نفوذ در میان اقشار گوناگون کارگری و دانشجویی و فرهنگیان و زنان به وجود آورده اند که اینک در "تشکل های اسلامی همسو" گردانده اند.

گروههای تروریستی دولتی و غیر دولتی به همراه گروههای فشار اوباشان و از جمله "انصار حزب الله" و بخش اعظم فرماندهان رده بالای سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی تحت هدایت این انجمن کار می کنند. این انجمن، مافیای مالی در ایران را اداره میکند که چهار رکن و ارگان اصلی آن عبارتند از: بنیاد مستضعفان و جانبازان - صندوقهای قرض الحسنه بازار - کمیته امداد امام خمینی - آستان قدس رضوی

انجمن حجتیه از طریق دو لژ ماسونی انگلستان به اسامی "استروم ارگنتسیوم" و "گلدن دراین اوتر" با شبکه بین المللی صهیونیسم ارتباط دارد و اصولاً نام آن نیز نام يك یهودی است. در آغاز سال 1358 شبکه حجتیه در ایران سی هزار عضو داشت و رهبر آن "شیخ محمود حلبی" بود. بسیاری از چهره های شناخته شده آن زمان حجتیه برای ذخیره سازی، خود از جلوی صحنه عقب رفتند و به کارهای سازماندهی پنهان سرگرم شدند که حاصل آن، ایجاد گروه بندیهای سیاسی نیمه علنی و نیمه مخفی (هیئت مؤتلفه - رسالت - فدائیان

اسلام - جامعه روحانیت و تشکل های وابسته به آنها) مافیای مالی قدرتمند - هسته های رهبری سپاه و بسج و ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی و گروههای تروریستی و فشار سرکوبگر بوده است. آنها امروز پیگیرترین مدافع ولایت مطلقه فقیه هستند و از نیروهای ساده اندیش مذهبی برای تسلط مطلق خود بر حکومت و در جامعه بهره میگیرند. تردید نباید داشت که ولی فقیه انتصابی کنونی جمهوری اسلامی اگر بخواهد در خط دیگری جدا از خط آنها حرکت کند با مقاومت و جنجال بسیار روبرو خواهد شد. امثال آیت الله ناصر مکارم شیرازی که سکان رهبری حوزه علمیه قم را به عهده دارد یا حجت الاسلام واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی در خراسان، شمشیر خود را برای چنین لحظه در زیر عبا دارند تا به محض ناهمخوانی ولی فقیه کنونی با برنامه های حجتیه، به همراه یارانشان که در شورای نگهبان و مجلس خبرگان اکثریت مطلق آرا را به دست دارند، به بهانه دفاع از فقه و ولایت فقیه، او را فاقد صلاحیت فقهی اعلام کرده و کنار بگذارند.

برخی از مراجع تقلید کنونی زیر نفوذ و تحت هدایت انجمن حجتیه عمل می کنند. در این میان بویژه آیت الله ناصر مکارم شیرازی که بیش از دیگران در اداره حوزه علمیه قم نقش دارد، از عناصر با نفوذ حجتیه در این مراکز می باشد. انجمن حجتیه با اعمال نفوذ کامل بر جنتی و امامی کاشانی کاملاً بر شورای نگهبان مسلط شده است و با تصرف اکثریت مطلق کرسیهای "مجلس خبرگان رهبری" توسط عوامل و اعضای خود، بر این ارگان مهم تعیین کننده رهبر و ولی فقیه تسلط یافته است. اما یکی از مهمترین و مخفی ترین عناصر کلیدی که در تعیین استراتژی و تاکتیک راست ترین محافل حکومتی نقش مهم و تعیین کننده دارد و در میان مردم و احزاب سیاسی ناشناخته است، آخوندی به نام منیرالدین حسینی است. وی از سالها قبل از انقلاب 22 بهمن در قم "آکادمی علوم اسلامی" را تشکیل داد. این آکادمی با "مرکز مطالعات استراتژیک" در انگلستان کار میکند و در میان محققان و کارشناسان مربوط به امور ایران در انگلستان، منیرالدین حسینی به عنوان شخصیتی آگاه و مورد اطمینان شناخته شده است. بسیاری از عوامل انجمن حجتیه و از جمله احمد توکلی با سفارش و بودجه این آکادمی برای تحصیل در عین حال فراگیری مسائل خاص به انگلستان فرستاده شده اند. بودجه این آکادمی آیت الله خامنه ای تامین می گردد و از مجموعه تحقیقات کارشناسی و رهنمودهای این آکادمی، اینک توسط عناصر رده بالای حکومت و مقامات مهم اطلاعاتی و امنیتی بهره برداری میکنند. یکی دیگر از عناصر مهم و کارگشته حجتیه در دستگاه ولایت فقیه، آخوندی به نام "راستی کاشانی" است. وی روابط بسیار نزدیکی با محافل وابسته به انگلیس دارد. "راستی کاشانی" نماینده خمینی در شورای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود که عامل اصلی تعطیلی فعالیت این سازمان به مدت چند سال بود. وی اینک یکی از مشاورین نزدیک ولی فقیه خامنه ای است. آیت الله مهدوی کنی از اعضای شورای رهبری حجتیه و از عناصر افشا شده فراماسونی انگلستان و از بنیانگذاران جامعه روحانیت مبارز که تا اواسط 1374 رسماً دبیر کل این جامعه بود و از سوی بسیاری از آگاهان سیاسی مردم قدرتمند شماره یک کشور شناخته شده است. در مرداد 1374، مهدوی کنی در طول اقامت نسبتاً طولانی خود در لندن از دبیر کلی جامعه روحانیت مبارز تهران استعفا داد ولی پیش از انتشار خبر استعفای وی با مهندس جعفر شریف امامی، رئیس گراندر لژ اعظم فراماسونی ایران و آخرین نخست وزیر غیر نظامی ایران دیدار و مذاکره کرد.

شریف امامی سالها رئیس مجلس سنا، نخست وزیر، سرپرست بنیاد پهلوی بود و همیشه نقش پل ارتباطی بین روحانیون را به عهده داشت. در سال 1357 و همزمان با اوج گیری حوادث انقلابی و به دنبال نقشی که انگلستان و بی.بی.سی. در حمایت از رهبری آخوندها در جنبش انقلابی به عهده گرفته بودند، شریف امامی مامور تشکیل کابینه شد. با اشاره وی برای نخستین بار در سال 57 روزنامه های رسمی کشور عکس خمینی را چاپ کردند. دولت شریف امامی عمر طولانی نیافت و خود او با اشاره اربابانش در انگلستان از کار کناره گرفت و مدتی بعد از نظرها پنهان شد و سپس کشور را ترک کرد.

در سالهای پس از انقلاب، شریف امامی در انتقال بسیاری از سرمایه ها و ثروتهای بنیاد پهلوی به حکومت جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ایفا کرد. او توانست شبکه عظیم فراماسونری ایران را زیر ضربه جنبش انقلابی خارج کرده و آنان را به کمک اعضای جدید حکومتی در جمهوری اسلامی، ترمیم و بازسازی کند و رابطه های جدید حکومتی در جمهوری اسلامی را ترمیم و بازسازی کند و رابطه های جدیدی را نیز بین جمهوری اسلامی و انگلستان فراهم سازد. آشنایی دیرینه او با روحانیت ایران، در این زمینه برای او امکان

چنین سازماندهی را فراهم ساخت. کناره گیری سران شناخته شده حجتیه از جنجالهای روز و رایج در جمهوری اسلامی بویژه در سالهای بعد از 1361 و تجدید سازمان و حیات نوین آن در دوره جدید که اکنون به صورت مافیایی بر کشور تسلط دارد، میتواند حاصل توصیه های پی بر تجربه ای نظیر شریف امامی باشد. در این میان مهدوی کنی بی تردید نقش اصلی و تعیین کننده به عهده داشته است. خمینی درباره مهدوی کنی گفته است به ایشان ارادت داشته و خواهم داشت. همه چیز بر قدرت داخلی و پشتوانه جهانی امثال "کنی ها" بر مجموعه حکومت و ساختار سیاسی و ایدئولوژیکی حاکم دلالت دارد. همان قدرتی که اگر صلاح خود بداند و رهبر را در خط خود تشخیص ندهد، دم و دستگاه ولایت فقیه و رهبر و ... را یک شبه جمع خواهد کرد و طرح دیگری را برای اعمال قدرت به اجرا خواهد گذاشت. این قدرت در سالهای پایانی حیات خمینی نیز از همین موقعیت برخوردار شد و پس از مرگ او نیز این اراده با قدرتی بیشتر بر دستگاه رهبری مجموع حکومت اعمال میکند. مهدوی کنی قصد دارد تا همه آخوندهای با نفوذ و موثر را پشت سر بازار در یک صف کند و جبهه "بازار \_ روحانیت" را در مسیر هماهنگ با سیاستهای انگلستان به پیش ببرد. علاوه بر آن جامعه و عاقل که زیر نظر حجت الاسلام فلسفی و نماینده اش حجت الاسلام اکرمی اداره میشود، از ارگانهای با نفوذ انجمن حجتیه است که در پیش بردن خط کاری حجتیه در بین و عاقل و آخوندها و مردم مذهبی نقش مهم و فعالی دارد. "هیئت مؤتلفه اسلامی" از بازوهای قدرتمند و نیروهای موثر انجمن حجتیه است که از مرتجع ترین و عقب مانده ترین و جنایتکار ترین و ددمنش ترین افراد مانند عسگر اولادی مسلمان (که به دلیل اینکه برادرش کمونیست شد، پسوند مسلمان را به فامیلی خود اضافه کرد تا مرز بندی ایدئولوژیکی کرده باشد)، اسدالله بادامچیان، علی اکبر پرورش (قایم مقام دبیرکل مؤتلفه سردبیر هفته نامه ارتجاعی "شما")، زواره ای، اسدالله لاجوردی، ... تشکیل شده است. دبیرکل این مصطفی میرسلیم، محسن رفیق دوست، رضا سازمان عسگر اولادی است. هیات مؤتلفه اسلامی بسیاری از روحانیون و بزرگان حوزه های علمیه را زیر بال و پر خود دارند و عملاً به جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خط و ربط میدهند. در جریان دستگیری احزاب چپ در سالهای 61 و 72، ماموران امنیتی انگلستان اطلاعات خود را برای شناسایی این نیروها از طرق مختلف (و از جمله توسط شورشیان مرتجع افغانی) به عسگر اولادی جلا در مقام دادستانی انقلاب، هجوم سراسری و خونینی به نیروهای چپ سازمان داده شد. سران این سازمان در جریان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی نقش کلیدی داشتند که البته با تایید خمینی صورت پذیرفت. میرسلیم روابط مستقیم با عوامل فراماسونری انگلستان دارد که برخی از آنها را در ارگانهای مختلفی مستقر کرده است.

امپریالیسم انگلستان در دوران انتخابات اخیر ریاست جمهوری، با هماهنگی و کمک منحصر به فرد میرسلیم، خبرنگار بی.بی.سی را به ایران فرستاد و وی با مهره های مشخص حجتیه همانند ناصر مکارم شیرازی - بادامچیان - زواره ای - ناطق نوری مصاحبه های مهم انجام داد و پیغامها آورد و برد. رضا زواره ای که از جمله کاندیداهای ریاست جمهوری بود، روابط نزدیک با محافل فراماسونری دارد.

همچنین بسیاری از فرماندهان بالایی سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی و قوای ارتش بویژه محسن رضایی سرتیپ افشار - سرلشکر شمخانی... بازوی نظامی حجتیه هستند و برای انجام هر عمل نظامی و کودتای خونینی در شرایطی که حاکمیت مطلق خود را در خطر ببینند آماده می باشند. فرماندهان بسیج و سپاه که از کنار کمیته امداد و بنیاد مستضعفان و تجارت و دلالتی و سهمی شدن در سهام بسیاری از شرکتهای تجاری و کارخانجات بزرگ و واحدهای صنعتی، به ثروتهای افسانه ای دست یافته اند، اینک به بخش مهمی از مافیای اقتصادی، سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل شده اند و شریک غارتگری های اجتماعی و در خدمت آخوندهای مافوق ارتجاعی و بازار می باشند.

شبکه های تروریستی انجمن حجتیه با همکاری عوامل عالیرتبه خود در ارتش و نیروهای انتظامی و سپاهی و بسیجی، در برنامه ریزیهای حساب شده با به راه انداختن تصادف های با ماشین در خیابانها یا جاده ها و با خرابکاری در هواپیماها به قصد سقوط یا انفجار آنها، برای قتل برخی از ائمه جمعه و روحانیون و کادرهای نظامی و رقبای جدی درون حکومت عمل کرده و میکند. قتل احمد خمینی نمونه بارز آن است و حاج احمد خمینی یک شبه با انبوهی از اطلاعات پنهان جمهوری اسلامی سرش زیر آب رفت و همه این اطلاعات به

خاك سپرده شد. انجمن حجتیه همچنين توانسته است مافیای مالی قدرتمندی در ایران به وجود آورد. این مافیا اقتصاد ایران را تحت کنترل خود دارد و با فروش مواد مخدر، استفاده از فحشا، رشوه های کلان به ماموران دولتی و قضایی، فروش املاک و مستغلات و کارخانه ها،... سعی دارند تا همه را زیر سلطه خود در آورند. مافیای مالی، گروههای تبهکار و تروریستی در داخل و خارج از کشور را از نظر امکانات دیپلماتیک و سیاسی و مکان و وسایل و پول تغذیه میکنند و نیز به قصد دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و انجام تبلیغات گسترده مذهبی هماهنگ با محافل امپریالیستی عمل میکنند. این مافیا حتی در انتقال صدها هزار دلار تقلبی از سوی آمریکا به روسیه به قصد تخریب کامل اقتصاد این کشور نقش اصلی را داشته است. محسن رفیقدوست مرد ثروتمند میدان تره بار عنصر کلیدی و از عوامل و سازمان دهندگان اصلی مافیای مالی است که حتی با افشای سرقت 123 میلیارد تومان وی و همکاری او از بانک صادرات، همچنان دارای پست و مقام و به سرپرستی بیش از 600 هزار خانواده مجروحان و معلولان جنگ بنیاد جانیان انتخاب شده است. از دیگر عناصر پر قدرت مافیای مالی، کمیته امداد امام خمینی به ریاست عسگر اولادی، آستان قدس رضوی به کلان سرمایه ریاست واعظ طبسی هستند. همچنین صندوقهای قرض الحسنه بازار به یاری اتاق بازرگانی و دارانی فرامند چون هاشمی زاده سلطان پسته ایران و فرزندان ارشد امام جمعه رفسنجان با برنامه ریزی های مزدوران سرمایه پرستی مانند سعید امانی - علی اکبر پور استاد - خاموشی شیراز اقتصاد مملکت را به دست گرفته و بر آن مسلط شده اند. این مافیای مالی صدها هزار خانواده فقیر را به اسارت کشیده و در صورت لزوم به خیابانها می کشند و از آنها به عنوان نیرویی در جهت مقاصد شوم ضد مردمی خود بهره می گیرند. تشکیلات انجمن حجتیه به آوندها اختصاص ندارد، بلکه از میان وزرا - نظامیان - دیپلماتها - مقامات ارشد دولتی - سردمداران سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی - کار چاق کن ها و دلالها - وکلا - بازاریان و سیاسیون نیروهای موثر و قدرتمندی برای خود جذب کرده است. یعنی همان شیوه ای که در لژهای فراماسونری رعایت میشود

### برای ایرانیانی که عرق ملی دارند

این اعلامیه ثابت میکند که دولت انگلستان برای ادامه سلطه و نفوذ خود بر کشور ثروتمند ما، این بار عوامل ددمنش و خون آشام خود را که در راه انجام وظایف ضد ملی و ضد انسانی خویش، حتی خدا و پیامبر و مذهب را وسیله فریب و تحمیق مردمان بدبخت و ناآگاه ایران قرار داده اند، به حکومت رسانیده است. این بار، به این فرمانبران پلید خویش، فرمان و اجازه داده است که نسبت به مخالفین و معترضین خود، کمترین رحم و گذشتی ننمایند و برای تبدیل ایران به قبرستانی از مرده های متحرک، حتی از به راه انداختن سیل خون... هم تردیدی به خود راه ندهند

اعلامیه ای که به نقل سطور از آن مبادرت شد، دو سه برگ از تاریخ خونبار چند هزار برگی دسایس و سلطه مصیبت آفرین انگلستان بر ملت ایران می باشد. متأسفانه این تاریخ پر راز و رمز در بایگانی های راکد سازمان وسیع جاسوسی انگلستان، نگهداشته شده است تا اسامی گروه زیادی از سازندگان ایرانی آن مکتوم بماند

سیاستمداران کهنه کار و حیلہ گر انگلستان با تمام تجارب استعماری خود، این واقعیت را درک نکرده اند که ملت امروز ایران، ملت دیروز و قرن گذشته نیست. مهمترین خدمتی که آنها و عوامل روحانی نمایی آنها به این ملت نمودند، ایجاد مکتب آموزش و تربیت تروریست و نحوه بکار بردن مواد منفجره و طرز مبارزات انتحاری با همراه داشتن نارنجک و بمب های قابل حمل است

حال اگر از بین 60 میلیون جمعیت به ستوه آمده ایران فقط چند صد نفر با چنین روحیه ای وجود داشته باشد، که چنین است، در این صورت با به خون کشاندن عوامل انگلیس و آتش زدن به تمام منابع درآمد آن دولت، به سلطه و فرمانروایی او و عوامل جنایت پیشه اش خاتمه خواهند داد. چون ممکن است جملات بالا حمل بر این شود که از ترور و تروریست حمایت می کنیم، باید بگویم

هر انسان و حتي حيواني در برابر حمله دشمن خونخوار و خطرناكي كه قصد جان او را داشته باشد، حق دارد براي حفظ جان خویش از هر سلاحي كه در اختيار داشته باشد استفاده بکند. رهبران و دانشمندان غرب مي دانند كه ملت امروز ايران از دو قرن توطئه و دسيسه و جنايت و غارتگري و مظالم دولت انگليس آگاه گرديده است و براي نجات خود حق دارد از هر وسيله اي، ولو خودكشي مسلحانه استفاده بکند. مورخين غرب كه بهتر از هر كس از روحيه و سياست پر از خدعه و نيرنگ و خونبار دولت انگليس نسبت به خود آگاهي دارند، ميدانند ملت ايران براي خاتمه دادن به سلطه و فرمانروايي فاجعه بار اين دزدان دريايي و زميني، چند بار دست دوستي به سوي دولتهاي فرانسه و آلمان و بعد هم به سوي آمريكا دراز كرد ولي جزيره نشينان حيله باز انگليس حتي از ايجاد رابطه بين ملت ما و كشورهاي مزبور جلوگيري كردند. چنانكه آقاي ژيسكاردستن رئيس جمهور سابق فرانسه در مصاحبه مطبوعاتي خود اعلام نمود، در سال 1979 و حتي پيش از آن، دولت انگليس تصميم گرفته بود كه مطمئن ترين و خون آشام ترين عوامل خود را بر ايران حاكم نمايد و بعد از آنكه اين طرح خود را بر كارتر رئيس جمهور كودن آمريكا تحميل نمود، خود او را مامور كرد كه در كنفرانس گوادلوپ اين تصميم را به رهبران فرانسه و آلمان نيز ابلاغ نمايد... آري فقط ابلاغ!! نه مشورتي!!...و نه بحثي

من به عنوان يك نويسنده ايراني كه چهل سال با نفوذ استعمار انگليس و عوامل فراوان و نادرست آن مبارزه کرده ام، و اينك هم به عنوان يك پناهنده سياسي و با وجود مشكلات فراواني كه مقامات مسئول فرانسه از آنها آگاهي دارند، از دولت فرانسه و محافل سياسي و مطبوعات اين کشور تقاضا دارد كه به واقعيتهايي كه بدانها اشاره شد و به وضع مصيبت بار ملتي كه در روي سرزمين زرخيزي با شكم گرسنه و امراض مهلكي به سر مي برد، بيشتر توجه بنمايند.

**نقل از انتشارات آهنگ سياسي**